

اثبات جرم پولشویی و معیار تشخیص آن در اسناد بین المللی و داخلی ایران

جاسم رشیدی^۱

باقر شاملو^{۲*}

علیرضا سایبانی^۳

چکیده

پولشویی فرایندی است که به عنوان جرمی ثانویه بعد از ارتکاب جرایمی مقدماتی اتفاق افتاده و می تواند در نظام پولی کشورها نیز نمود یابد. از طرفی ادله اثبات در جرم به موجب یک دادرسی عادلانه اصولی را القاء می کند که به واسطه این اصول رعایت حقوق متهم در این فرایند را الزامی می سازد. کنوانسیون وین در ابتدا با فرض اصل برائت لوازم منطقی اثبات جرم پولشویی را بر عهده مقام تعقیب می داند. این در حالی است که در بند ۷ ماده ۵ این کنوانسیون، برای اثبات منشأ دارایی و عواید و سایر اموال ادعایی، بار اثبات معکوس شده و بر عهده متهم قرار می گیرد. هر چند این سند بین المللی به دول عضو توصیه می کند طبق اصول حقوق داخلی خود ترتیباتی را فراهم نمایند. در ایران به موجب ماده ۱ قانون مبارزه با پولشویی به دو تمهید متفاوت در حوزه اثباتی اشاره دارد. به عبارت دیگر از یک طرف اصل صحت را مورد توجه قرار می دهد و از طرفی دیگر به اماره تصرف اشاره دارد. بنابراین در رویکرد های تقنینی کشور نیز می توان اصل برائت و احراز و اثبات جرم از سوی مقام قضایی را واکاوی نمود. این وجیزه در مقام بیان ادله اثباتی در جرم پولشویی بوده و این مهم را در قوانین داخل و بین المللی مورد واکاوی قرار داده و امر داوری که می تواند موضوعی خارج از جرم پولشویی قلمداد گردد، را با توجه به تأثیراتش به ویژه با صبغه های اثباتی مورد بررسی قرار می دهد. این پژوهش نشان می دهد؛ در اثبات جرم و بحث بار اثبات ادله آنچه حاکمیت داشته حق بر دادرسی عادلانه می باشد. حتی در مواقعی که اضطرابات ملی و مصالح عمومی بار اثبات دلیل در این جرم را معکوس نماید، کماکان حق بر دادرسی عادلانه می تواند حقوقی را برای متهم شناسایی نماید.

واژگان کلیدی: پولشویی، کنوانسیون های بین المللی، جرائم سازمان یافته بین المللی

۱. دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم شناسی، واحد بندرعباس، دانشگاه آزاد اسلامی، بندرعباس، ایران

۲. دانشیار دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران
* نویسنده مسئول: b-shamloo@sbu.ac.ir

۳. استادیار گروه حقوق، واحد بندرعباس، دانشگاه آزاد اسلامی، بندرعباس، ایران

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۹/۲۹

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۷/۲۵

فصلنامه پژوهش های روابط بین الملل، دوره دهم، شماره پیاپی سی و هشت، صص ۳۵۶-۳۲۷



فصلنامه

پژوهش های

روابط بین الملل،

دوره دهم، شماره

سوم، شماره سی و

هشت

پاییز ۱۳۹۹

مقدمه

این یک واقعیت است که قوانین داخلی در راستای تبیین و بیان عناصر متشکله جرم و بر اساس پندارها و اندیشه‌های حقوقی تدوین شده و معیارهای بومی هر جامعه بر آنها تأثیر دارد. با این حال برای اثبات پولشویی و بررسی بار اثبات دلیل در آن باید مولفه‌هایی را از جمله اسناد بین‌الملل و نیز حقوق داخلی را مد نظر قرار داد. با این طرز تلقی باید اذعان کرد؛ اگر نگرش‌های اثباتی با اسناد بین‌الملل هماهنگ بوده که این همگرایی، هماهنگی را القاء می‌کند. به نوعی حاکمیت کشورها ماهیت و تعریف و حدود و ثغور این جرائم را بر اساس این اسناد و یا در راستای آنها تفسیر نموده و رویکرد‌های اثباتی آن را ملحوظ نظر قرار می‌دهند. در این صورت می‌توان ادعا کرد بر اساس ساختار تقنینی سرزمین خود این جرم را مورد تعقیب، تحقیق و در نهایت محاکمه قرار دهد. اما اگر اختلاف فاحش در تفسیر آنچه به عنوان سند بین‌المللی و رویکرد حقوق داخلی قابل مشاهده باشد، توسعه مقررات داخلی با چالش مواجه خواهد شد. با این حال اسناد بین‌المللی در زمینه مبارزه با جرم پولشویی به نحوی تدوین یافته اند که متضمن یک توافق عمومی در مورد کلیات ارکان اصلی هر نظام ضد پولشویی است به همین علت کشورها مکلفند اصولی را در این راستا لحاظ کنند. هر چند این تکلیف به منزله نادیده گرفتن اصول و سیستم حاکم قضایی کشورها نمی‌باشد. چرا که در میان اسناد بین‌الملل می‌توان اصولی از جمله اصل برائت، اصل صحت قراردادها را مشاهده نمود که می‌تواند بار اثبات دلیل در پولشویی را به نوعی معکوس جلوه داده و بر عهده مقام تعقیب بیاندازد. در ذیل معماری این رویکرد را بر اساس اسناد بین‌الملل به ویژه در صحت و یا فساد قرارداد‌های حاصل از این مجموعه که مورد اختلاف در داوری می‌تواند قرار گیرد، بررسی و نقد می‌گردد.

۱- پولشویی و چالش بار اثبات در حقوق داخلی و اسناد بین‌المللی

۱-۱- دلایل و نوع معاملات در اثبات جرم پولشویی

در نظام حقوقی ایران می‌توان ادله اثبات را با موضوعیت شخص مورد بررسی قرار داد که یا طرفین جنگ قضایی را در بر می‌گیرد و یا اشخاصی خارجی از دعوای مطروحه در فرایند دادرسی می‌باشند. با این حال در جرم پولشویی آنچه می‌تواند موضوعیت

یابد، اصول عملیه ای است که در قالب اصل صحت و در بازخورد با معاملات صورت گرفته بررسی می گردد. بنابراین در ذیل به مصادیقی از ادله اثبات که می تواند در جرم پولشویی مد نظر قرار گیرد، توجه می شود.

۱-۱-۱- بررسی دلایل جرم پولشویی

از جمله مصادیق شخصی ارائه ادله اثبات در جرائم اقرار می باشد. یعنی تنها از طرف یک نفر که ارتباط مستقیم با وقوع جرم دارد، احراز می گردد. بنابراین اقرار که تنها زمانی نمود عینی و مصداق خارجی دارد که از طرف متهم تجلی پیدا کند. یا شهادت که از طرف شخص یا اشخاصی خارج از دعوا و شکایت ورود پیدا کرده و سعی در اثبات جرم دارد. حال در ذیل به مصادیق این تقسیم بندی می پردازیم، بنابراین نخست اقرار را مورد تحلیل و بررسی قرار دهیم.

اقرار شاید کلیدی ترین ادله ای باشد که در فرایند تشکیل و اجرای جرم پولشویی بتوان بدان اتکا کرد. به عبارت دیگر اقرار قابل استناد ترین مورد در پولشویی است. با این حال جایگاه سلامت و صحت آن سخت قابل چالش است. یعنی به راحتی می توان سلامت آن را زیر سوال برد. به هر حال در صورت اثبات موضوع برای قاضی از طریق اقرار می توان گفت بخش وسیعی از موضوع جرم مکشوفه به حساب می آید. در این راستا ماده (۱۷۱) قانون مجازات اسلامی جدید مقرر می دارد: «هرگاه متهم اقرار به ارتکاب جرم کند، اقرار وی معتبر است و نوبت به ادله دیگر نمی رسد، مگر اینکه با بررسی قاضی رسیدگی کننده قرائن و امارات برخلاف مفاد اقرار باشد که در این صورت دادگاه، تحقیق و بررسی لازم را انجام می دهد و قرائن و امارات مخالف اقرار را در رأی ذکر می کند.» مطابق مفاد مقررات این ماده «اصل بر اعتبار اقرار» و عدم توجه به ادله دیگر، در صورت اقرار متهم به ارتکاب جرم است مگر اینکه قرائن و امارات، مخالف این اقرار باشد. مانند اینکه اقرار در پولشویی بدین وسیله باشد که مجرم اقرار به قاچاق انسان کرده و مدعی شود، عواید آن را در راه ساخت و ساز استفاده کرده است. این در حالی است که قرائن معقول حاکی از آن باشند که در مدت زمان مورد ادعای وی نه قاچاق انسانی صورت گرفته و نه وی در جرم حرفه ای داشته است. یا در نهایت شخص مزبور حتی یک ساختمان را نیز تعمیر نکرده چه رسد به ساخت و ساز. در این

صورت باید به ترتیب مقرر در ماده یادشده، موضوع مورد رسیدگی قرار گیرد، زیرا چنین اقراری مقرون به واقع نیست. اهمیت موضوع به ویژه در این جرم وقتی است که ممکن است شخص اقرار کننده تنها مجرم اصلی نبوده و خود پوششی برای مجرم اصلی باشد. عدم توجه به این مهم گناهکار و مجرم اصلی را رها کرده و شخص دیگری را بجای آن به مجازات می‌رساند. پس بدون تردید مقررات این ماده قانونی از جهت «ارج نهادن به اقرار» برخلاف روش دادرسی‌های متداول در کشورهایی با حقوق پیشرفته است.

از طرفی؛ اعتبار بخشیدن به اقرار متهم به عنوان دلیل قاطع برای اثبات دعوای کیفری، گاهی نتایج زیان باری را به متهم تحمیل می‌کند که در صورت قطعیت حکم در مرحله بدوی به هر علت قانونی، محکوم علیه کیفری مجبور به تمکین از یک مجازات غیرمنطقی با واقعیت امر خواهد بود و چنین رویکردی به عدالت کیفری خدشه وارد می‌کند. «به نظر می‌رسد نویسندگان ماده مورد بحث از قانون مجازات اسلامی با تکیه بر «اصل قاطع بودن اقرار در دعوی حقوقی»؛ در حقوق جزا و دادرسی کیفری نیز، اعتبار بیش از حد برای اقرار قائل شده‌اند و این در حالی است که اصولاً متهم به آثار و تبعات اقرار خود در امر کیفری واقف نیست»

ماده یک قانون مبارزه با پولشویی مقرر می‌دارد: «اصل بر صحت و اصالت معاملات تجاری موضوع ماده (۲) قانون تجارت است، مگر آن‌که براساس مفاد این قانون خلاف آن به اثبات برسد. استیلائی اشخاص بر اموال و دارایی اگر توأم با ادعای مالکیت شود، دال بر ملکیت است.» البته سابقه تاریخی ماده مزبور را می‌توان در ماده ۲ قانون نحوه اجرای اصل ۴۹ قانون اساسی مصوب مردادماه ۱۳۶۹ واکاوی نمود. بر اساس ماده موصوف: «دارایی اشخاص حقیقی و حقوقی محکوم به مشروعیت و از تعرض مصون است مگر در مواردی که خلاف آن ثابت شود.» به هر حال ماده ۱ قانون مبارزه با پولشویی به دو تمهید متفاوت در حوزه اثباتی اشاره دارد. به عبارت دیگر از یک طرف اصل صحت را مورد توجه قرار می‌دهد و از طرفی دیگر به اماره تصرف اشاره می‌کند. چرا که رویکرد های متقابلانه و نیز پیشگیرانه می‌تواند به نوعی تعرض به اصل مالکیت باشد. بنابراین این ماده با پذیرش اماره مالکیت سعی در قبول معامله انجام شده به

واسطه اصل صحت دارد، اما در بازخورد با جرم پولشویی استثنائاتی را ملحوظ نظر داشته است. در ذیل شرح موضوع را مورد بررسی قرار می دهیم. از جمله مصادیق اصول عملیه اصل برائت است. به موجب اصل ۳۷ قانون اساسی که مقرر می کند: « اصل، برائت است و هیچ کس از نظر قانون مجرم شناخته نمی شود، مگر این که جرم او در دادگاه صالح ثابت گردد.» قوانین عادی نیز در پاسداشت اصل فوق، قدم برداشته اند، بر اساس ماده ۱۲۵۷ قانون مدنی: « هرکس مدعی حقی باشد باید آن را اثبات کند...» به موجب ماده ۱۹۷ قانون آیین دادرسی مدنی نیز: « اصل برائت است. بنابراین اگر کسی مدعی حق و یا دینی بر دیگری باشد باید آن را اثبات کند، در غیر این صورت با سوگند خوانده برائت صادر خواهد شد.» پیامد اجرای اصل فوق در امور کیفری نیز این خواهد بود که بار اثبات تحقق جرم بر عهده مدعی آن می باشد و متهم از اثبات بی گناهی خود مبرا است.

دومین موضوع اصل صحت می باشد. همان طور که می دانیم، غلبه بر این است که اراده اکثر افراد جامعه، معامله را به طور صحیح منعقد می کنند نه به طور فاسد. این غلبه موجب ظن می شود که عقود منعقد، صحیح می باشد. به این ترتیب، هرگاه در صحت عقدی تردید شود، با الحاق مورد مشکوک الحکم از لحاظ صحت، به مورد غالب، می باید حکم به صحت آن داد. علاوه بر این، اگر قائل به اعمال اصل صحت نباشیم، در نظم جامعه، اختلال ایجاد خواهد شد. این اختلال در دو بعد ثبوت و اثبات جلوه گر خواهد شد: در بعد ثبوت با عدم اعمال اصل است، هیچ گاه افراد، اطمینانی به ایجاد عقد در عالم ثبوت نخواهند داشت. بنابراین در جرم پولشویی نیز نمی توان مینا را بر عدم اعمال اصل گذاشت. در بعد اثبات نیز بیانگر این واقعیت است که هرگاه این اصل نبود، اشخاص در معاملات باید تحصیل دلیل کنند تا اگر طرف معامله دعوی فساد آن را کند در دادگاه بی دفاع نمانند. بدیهی است تهیه دلیل چقدر دشوار است و چه مصایبی به بار می آورد... به اندازه این مشکلات است که اختلال در نظام روابط افراد پیدا می شود و مایه دشواری و عسر و حرج می گردد. لزوم حمل معاملات افراد بر صحت، آنقدر برای تضمین امنیت معاملات اهمیت داشته است که مقنن را بر آن داشته تا در ماده یک قانون مبارزه با پولشویی نیز بر اصل صحت تأکید کند. (میرشکاری، ۱۳۸۹: ۶۳)

به هر حال مقنن تنها می‌خواسته است که در قانونی که به احتمالی می‌توانسته احساس امنیت تجاری را بر هم بزند، تجار و بازرگان را به حمل معاملاتشان بر صحت مطمئن کند. اما متأسفانه این اطمینان بخشی با دقت کافی همراه نشده است. لذا حاصل آن، مقرره ای شد که در فوق ملاحظه گردید. با توجه به نکته فوق و فلسفه وضع مقرره مورد بحث نباید به ظاهر نص آن دل بست بلکه با توجه به قانون، باید در کلیه معاملات، اصل را بر صحت گذارد و مقرره مورد بحث را تنها تأکیدی بر قانون مدنی تلقی کرد نه آن مقنن را در مقام تقیید اصل صحت به معاملات تجاری ماده ۲ یاد شده دانست.

اماره تصرف نیز مصداقی دیگر از این اصول می‌باشد. اماره تصرف حاوی سه عنصر است. نخست عنصر مادی: مال در تصرف مادی فرد باشد؛ در عنصر معنوی این موضوع، متصرف قصد اعمال حق مالکیت را داشته باشد؛ عنصر قانونی در این اماره نیز تصرف متصرف، مشروع باشد که می‌تواند این مشروعیت حکمی برای موجب پولشویی نیز قلمداد گردد. چرا که اگر موجب پول و درآمد و تصرف مورد نظر قانونی و مشروع نباشد، بنابراین نمی‌توان آن را متعلق به شخص دارنده دانست. (میرشکاری، ۱۳۸۹: ۶۵) در این خصوص ماده ۳۵ قانون مدنی به دلیل اشاره صریح به تصرف در مالکیت، تصرف را اماره مالکیت دانسته است. بنابراین با روبه رو شدن با متصرف باید وی را مالک دانست. قسمت اخیر ماده یک قانون مبارزه با پولشویی مقرر می‌دارد: «استیلائی اشخاص بر اموال و دارایی اگر توأم با ادعای مالکیت شود، دال بر مالکیت است.»

۲-۱-۱- معاملات مشکوک^۱

گاهی بانک‌ها خدمات و محصولات مالی به شکل خصوصی در اختیار برخی از مشتری‌های خاص قرار می‌دهند. از آنجا که روابط بانکی خصوصی ممکن است پیچیده باشد؛ لازم است سیستم کنترل و گزارش دهی فعالیت‌های مشکوک به گونه‌ای طراحی شود که قادر به ارزیابی صحیح کلیه فعالیت‌های مشتری باشد. به هر حال از بانکها گرفته تا شرکتهای بیمه عمر، از فروشندگان اوراق بهادار گرفته تا حسابداران، مجراهایی است

1. Suspicious Transaction

که می توان در آن انگیزه های پولشویی را مورد واکاوی قرار داد. لذا برای جلوگیری از پولشویی و تأمین مالی تروریسم نقش دارند. این مشاغل، که در قانون درآمد حاصل از جرم و جنایت (پولشویی) و قانون تأمین مالی تروریسم (PCMLTFA) مشخص شده اند، از جمله اولین افرادی هستند که می توانند با یک معامله مالی که به طور بالقوه با پولشویی یا تأمین مالی تروریسم در ارتباط است، موثر می باشند.

اما آنچه در این فرایند می توان عنوان و مجرا های مهمی برای جرم پولشویی است موسسات مالی و اعتباری است. بانک ها و موسسات مالی و اعتباری، بنگاه هایی هستند که تفاوت های بنیادی با بنگاه های اقتصادی تولیدکننده کالا و خدمات دارند. هر چند نظارت و تأسیس این موسسات در اختیارات بانک مرکزی است و در این راستا قانون پولی و بانکی مصوب ۱۳۵۱، بانک مرکزی را مسوول «نظارت بر بانک ها و موسسات اعتباری» می شمارد. اما یکی از مهم ترین چالش هایی که نظام پولی کشور طی سال های اخیر با آن مواجه بوده است، فعالیت موسسات فاقد مجوز در بازار پول است. موسسات مزبور بدون اخذ مجوز از بانک مرکزی، عمدتاً تحت پوشش عناوین مقدس و مورد احترام جامعه تاسیس شده و با وعده های فریبنده و گمراه کننده، به عملیات بانکی اشتغال دارند؛ که محلی برای پولشویی بوده که نتیجه ای جز انحراف جریان سالم نقدینگی... به همراه ندارد.

بنابراین بانک ها باید با نصب نرم افزار، اطلاعات اخذ شده از مشتری ها را مدیریت کنند. نرم افزارها ی فوق باید قابلیت جمع آوری، تجزیه و تحلیل، نمایش و عرضه اطلاعات و شناسایی موارد مشکوک را داشته باشند. از آنجا که شناسایی مشتری و کنترل گردش عملیات مشتری ها، فرایندی دایمی و مستمر است؛ بنابراین نرم افزارهای مذکور باید به گونه ای طراحی شوند که امکان بررسی و کنترل حساب ها و گردش عملیات بانکی مشتریان را به صورت مستمر و در کوتاه ترین زمان، برای موسسه مالی فراهم سازند. در این میان از جمله مواردی که لازم است در بررسی موارد مشکوک، مورد نظر قرار گرفته و اطلاعات بیشتری از مشتری اخذ شود؛ می توان به موارد زیر اشاره کرد: وجوه انتقالی فاقد اطلاعات متقاضی (نام، نشانی و شماره حساب) در سند انتقال وجه (حواله)؛ معاملات کلان پیچیده و غیرمتعارف فاقد توجیه اقتصادی و قانونی؛

عملیات بانکی و معاملات انجام شده در مناطق فاقد قوانین لازم برای مبارزه با پول شویی؛

نگهداری غیرمنطقی حساب از طریق اتباع خارجی؛

معاملات انجام شده از طریق روابط کارگزاری؛

معاملات غیرحضور، از طریق بانکداری الکترونیکی و اینترنتی.

ردیابی عملیات پول شویی با پردازش مستمر اطلاعات مال‌ی مشتری‌ها امکان‌پذیر است. بنابراین ملاحظه می‌شود که بانک اطلاعاتی و پردازش اطلاعات، به منظور ردیابی معاملات و شناسایی موارد مشکوک نقش کلیدی برای مبارزه با پول شویی دارد. در این فرایند، تجزیه و تحلیل اطلاعات اهمیت اساسی دارد؛ به طوری که ایجاد واحد تجزیه و تحلیل اطلاعات نیز ضرورت می‌یابد. بر همین اساس، گروه کاری اقدام مالی در سال ۱۹۹۰ بر ای نخستین بار در توصیه‌های خود به کشورها، تاسیس یک مرکز ملی جمع‌آوری و مبادله اطلاعات تحت عنوان واحد اطلاعات مالی^۱ را توصیه کرد. آمریکا و بلژیک از جمله کشورهای پیشگام در ایجاد واحد اطلاعات مالی بودند. در راستای تحقق توصیه فوق، کشورهای صنعتی پیشگام مبارزه با پول شویی در سال ۱۹۹۵ گروهی را تحت عنوان اگمونت^۲ تشکیل دادند. هدف از تشکیل این گروه، تبادل اطلاعات به منظور ایجاد و ارتقای قابلیت واحدهای اطلاعات مالی کشورهای عضو از نظر تجهیز و تربیت متخصصان امور ضد پول شویی بود. بر اساس تعریف این گروه، واحد اطلاعات مالی مرکز ملی مسوول دریافت اطلاعات، تجزیه و تحلیل و ارائه آن به مرجع ذی ربط و نیز افشای اطلاعات درباره عواید مشکوک حاصل از جرم و آن دسته از اطلاعاتی است که به موجب قانون ملزم به افشای آن است. (Clark, 2003: 35)

لازم به ذکر است در کشورهایی که قانون مبارزه با پول شویی را اجرا می‌کنند، روش گزارش دهی واحد اطلاعات مالی با توجه به سیستم‌های قانونی و سنت‌های رایج در کشور، متفاوت است. بر اساس بررسی‌های کارگروه اقدام مالی، به طور کلی سیستم گزارش دهی واحد اطلاعات مالی که در کشورهای مختلف اجرا می‌شود؛ چهار گونه است.

^۱.Financial Intelligence Unit(FIU).

^۲.Egmont Group.

نخست مدل قضایی^۱: در این روش بانک‌ها، موسسات مالی و غیر مالی از طرف قوه قضاییه موظف هستند که اطلاعات مورد نیاز واحد اطلاعات مالی را به این واحد گزارش دهند. واحد فوق نیز از طرف قوه قضاییه مسوول جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل اطلاعات و گزارش دهی موارد مشکوک به حوزه قضاییه است. قوه قضاییه نیز مسوول پیگرد قانونی و اقدام مقتضی در خصوص موارد مشکوک است از جمله: دستگیری افراد مظنون به پول شویی، ضبط یا مسدود کردن اموال آن‌ها، تحقیق در مورد میزان و نحوه کسب دارایی‌های افراد مظنون به پول شویی. (Clark, 2003: 38) از جمله کشورهای که از این روش پیروی می‌کنند؛ می‌توان از کشورهای پرتغال و لوگزامبورگ نام برد.

دوم مدل اجرای قانون^۲: در این روش واحد اطلاعات مالی، سازمانی درون دولت و یا زیر نظر مستقیم دولت است که مجری قانون پول شویی است. در این روش نیز بانک‌ها، موسسات مالی و غیر مالی موظف هستند که اطلاعات مورد درخواست واحد اطلاعات مالی را به این واحد گزارش دهند. انگلستان، سوئد، ایتالیا و دانمارک از جمله کشورهای هستند که روش فوق را به کار گرفته‌اند.

سوم: مدل اداری^۳: در این روش، واحد اطلاعات مالی یک اداره مستقل یا نیمه مستقل در درون وزارت خزانه داری و یا بانک مرکزی است. این واحد مسوول جمع‌آوری، تجزیه و تحلیل و انتشار اطلاعات به موسسات و مقامات مختلف دولتی است. با توجه به استقلال بیشتر واحد اطلاعات مالی، در این روش امکان ارتقا همکاری بین موسسات درگیر اجرای قانون پول شویی بیشتر است. فرانسه، بلژیک و هلند از جمله کشورهای هستند که روش فوق را به کار گرفته‌اند.

چهارم: مدل ترکیبی^۴: در این روش، واحد اطلاعات مالی، موسسه یا اداره ای مستقل در داخل وزارت خزانه داری، دارایی یا بانک مرکزی است. واحد اطلاعات مالی مسوول جمع‌آوری، تجزیه و تحلیل و انتشار اطلاعات به موسسات و مقامات دولتی است. این واحد اغلب مسوول تنظیم مقررات، فراهم کردن امکان افشای اطلاعات، نحوه افشای

^۱.Judicial model.

^۲.The Law Enforcement Model.

^۳.The Administrative Model.

^۴.The Hybrid Model.

اطلاعات و اعلام جریمه و مجازات مرتکبان پول شویی است. استرالیا و پاناما از جمله کشورهای هستند که روش فوق را به کار گرفته اند. (Clark, 2003: 48) با توجه به آنچه بیان شد به نظر می رسد در ایران در خصوص افشای اسرار و گزارش موارد مشکوک نه تنها انطباقی با مدلهای بیان شده قابل بازشناسایی نیست. اما آنچه در تدابیر و سیاست جنایی ایران قابل واکاوی است، مدل قضایی را می توان با توجه به قوانین مدونه بررسی کرد.

بعد از بیان ماهیت معاملات مشکوک ضابطه این گونه معاملات می تواند به این شرح باشد: معامله مشکوک (ST) از ظن ایجاد شده توسط یک معامله خاص ناشی می شود، که این دانش یا عقیده را ایجاد می کند که معامله ممکن است به مشروعیت درآمد حاصل از فعالیتهای غیرقانونی مربوط باشد.

از جمله فرآیند گزارش دهی مشکوک یا غیرمعمول شامل موارد زیر است:

الف) مراحل شناسایی معاملات یا فعالیتهای مشکوک یا غیرمعمول از طریق کانالهای مختلف از جمله مشاهدات کارکنان یا شناسایی، استعلام از اجرای قانون یا هشدارهای ایجاد شده توسط سیستمهای نظارت بر معاملات.

ب) ارزیابی رسمی از هر نمونه و ادامه معاملات یا فعالیتهای غیرمعمول.

ج) مستندات تصمیم گزارش مشکوک در مورد معامله (یعنی صرف نظر از اینکه گزارشی به مقامات ارسال شده باشد)

د) رویه های مربوط به ابلاغ دوره ای مدیریت ارشد یا هیئت مدیره از ارسال های معامله مشکوک؛

و ه) آموزش کارمندان در مورد کشف معاملات یا فعالیتهای مشکوک.

۲-۱- ادله اثبات در اسناد بین الملل

مرور تاریخی در اسناد بین المللی در خصوص بار اثبات دلیل در جرم اگرچه نشانگر آن است که این مورد ابتدائاً در ماده ۹ اساسنامه دیوان نورنبرگ مصوب ۱۹۴۵ در خصوص «جرائم علیه بشریت» «جرائم جنگی» «جرائم علیه صلح» بیان گردید، لکن با کمی دقت نظر مشاهده می گردد آن چه باعث شمول آن در عرصه بین الملل شده از زمان تصویب کنوانسیون وین درباره مبارزه با قاچاق مواد مخدر و داروهای روان گردان در

سال ۱۹۸۸ است و پس از آن نیز کنوانسیون های پالمو و مریدا آن را مورد بحث قرار دادند. کنوانسیون وین طی کنفرانس مورخ ۲۰ دسامبر سال ۱۹۸۸ در ششمین اجلاسیه عمومی سازمان ملل متحد تصویب گردید. به موجب بند ۷ از ماده ۵ کنوانسیون وین، هر یک از دول متعاهد در چهارچوب ملی خود ترتیباتی را فراهم می نماید تا بر اساس آن در رابطه با منشاء اموال و عوائد مشمول مصادره بار اثبات دلیل معکوس گردد. این کنوانسیون بدواً وفق ماده ۳ دول متعاهد را ملزم می نماید با اتخاذ تدابیر مقتضی در قلمرو ملی خود، تطهیر وجوه و عواید حاصل از جرائم مربوط مربوط به قاچاق مواد مخدر را جرم انگاری نمایند. دقت در این قسمت از ماده ۳ کنوانسیون مفید این معنا است که کنوانسیون مرقوم در جرم انگاری پولشویی لزوم احراز علم مرتکب به عنوان یکی از اجزاء رکن معنوی را ضروری قلمداد می نماید. بدیهی است در چنین شرایطی اثبات علم بر عهده مقام تعقیب خواهد بود.

کنوانسیون وین^۱ در وهله نخست با پذیرش مطلق فرض بی گناهی و به مقتضای لوازم منطقی این فرض، بار اثبات را بر دوش مقام تعقیب می گذارد. با این وجود کنوانسیون مذکور در بند ۷ ماده ۵، به دول عضو توصیه می کند که طبق اصول حقوق داخلی خود ترتیباتی را فراهم نمایند که در رابطه با منشأ قانونی عوائد و یا سایر اموال ادعایی در معرض مصادره، بار اثبات دلیل معکوس گردد. حکم مصرح در بند ۷ ماده ۵ فاقد خصیصه الزام آور می باشد و خطاب به آن به دول عضو فقط جنبه ارشادی دارد. کما این که سازمان ملل متحد در تفسیر خود از این کنوانسیون مفاد توصیه مندرج در ماده ۵ را از مصادیق معاهدات بین المللی محسوب ننموده بلکه اجرای آن را به اختیار دول عضو محول کرده است. مع الوصف، تأکید نموده است که با پذیرش چنین امری، در نظام‌هایی که بر اساس سیستم اتهامی پایه‌گذاری شده است، با صعوبت بیشتری مواجه است.

بدین ترتیب، کنوانسیون وین به دول متعاهد توصیه می نماید که طبق اصول اساسی حقوق داخلی خود امکان جا به جایی بار اقامه دلیل را تحت بررسی قرار دهند. کما این

1 United Nations Commentary on the United Nations Convention Against Illicit Traffic in Narcotic Drugs and Psychotropic, 1988: 135)

که در عمل نیز برخی از کشورها با تعیین حد نصاب معین و فراتر رفتن اموال از این حد نصاب و برخی دیگر از ممالک با تعیین ضابطه برای معاملات مشکوک در راستای توصیه کنوانسیون مذکور اقدام نموده و در این موارد بار اقامه دلیل را معکوس کرده اند. (عباسی، ۱۳۸۵: ۲۶۰) بار اثبات دلیل در کنوانسیون سازمان ملل متحد علیه جرائم سازمان یافته فراملی معروف به کنوانسیون پالرمو نیز پیش بینی شده است. این کنوانسیون در بند ماده ۱۲ مقرر می دارد: « کشور های عضی می توانند این امکان را در نظر بگیرند که مرتکب منشاء مشروع عوائد یا سایر اموال مصادره را ثابت کنند.» بنابراین، کنوانسیون طبق این ماده از دول متعاقد درخواست می کند که در اتباط با اموال مشکوک نیز از متهم درباره اصالت و مشروعیت درآمد های مورد اتهام اموال مشکوک و در معرض مصادره توضیح بخواهند و در صورت عدم کفایت توضیحات متهم و عدم اثبات مشروعیت درآمد ها، این اموال را ضبط و مصادره نمایند.

در بند ۸ ماده ۳۱ کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با فساد مالی مصوب سال ۲۰۰۳ همانند بند ۷ ماده ۱۲ کنوانسیون سازمان ملل متحد علیه جرائم سازمان یافته فراملی مصوب ۲۰۰۰ بار اثبات ماهیتی معکوس به خود گرفته و رویه معکوس اثبات جرم تکرار گردیده است. این کنوانسیون طبق این ماده از دول متعاقد درخواست دارد تا فاعل جرم را ملزم به اثبات منشده قانونی عوائد ادعایی جرم یا اموال دیگر موضوع مصادره نمایند تا جایی که این الزام با اصول حقوقی داخلی یا طبق آیین نامه رسیدگی قضایی یا دیگر اصول رسیدگی منطبق باشد. بدین ترتیب، همانگونه که در اسناد بین المللی مشاهده می گردد معکوس کردن بار اثبات دلیل در جرائم سازمان یافته به اختیار کشور ها نهاده گردیده است اگر چه شاید این شبهه به نظر آید که این اختیار در خصوص اعمال معکوس کردن باز اثبات دلیل است یا در خصوص قلمرو آن، لکن به نظر می رسد در خصوص اعمال آن باشد؛ زیرا خود کنوانسیون های بین المللی موارد مربوط به جرائم خاص را احصاء نموده است و خارج از این موارد مذکور در اسناد بین المللی قابلیت اعمال را ندارد.

۲- داوری مستمسکی برای میانجیگری گفتمانی برای پولشویی: راه‌ها و بار اثبات

اثبات و داوری در پولشویی، از نظر ماهیت، بسیار دشوار است. زیرا اگر شوینده پول کار خود را انجام داده است، به نظر می‌رسد پول پاک است (Dissenting opinion of Justice Kennedy, p 9) چگونگی و میزان، غیرقانونی بودن این عواید شستشو شده و مشروعیت یافته باید در داوری بین‌المللی اثبات شود. بنابراین غالباً به عنوان یکی از چالش‌برانگیزترین موضوعات برای داوران، داوری این اختلافات است که به طور غیر معمول مطرح می‌شود. این دعاوی همراه با ادعای فساد می‌باشد، که این ادعاها غالباً به دلیل عدم توانایی ارائه مدرک کافی از طرف مدعی رد شده است. اما حوزه ادعای فساد معمولاً قراردادهایی است که در این فرایند منعقد شده و پای داوری را به میز جرم پولشویی باز می‌کند.

۳-۱- داوری در پولشویی: جنبه‌های حقوقی و اثباتی

با پولشویی به شایستگی‌های آن طبعاً برای اینکه موضوع پولشویی بخشی از دادرسی‌های داوری شود، باید به نوعی مورد توجه داور قرار گیرد. دو روش وجود دارد که می‌تواند موضوع پولشویی را در بخشی از فرایند داوری قرار دهد. نخست؛ از طریق معرفی طرفین و دوم از طریق داوری که عامل توافقتشان هست. در هر دو روش در راستای اثبات بایست به مدارکی که در اختیار قرار داده می‌شود توجه کرد. در مرحله نخست، یکی از طرفین می‌تواند موضوع را از طریق ارائه این ادعا که قرارداد به دلیل نامشروع بودن موجب و موضوع عقد و ناپاک بودن پول در آن، باطل شود. با این نگرش به نظر می‌رسد که ادعاهای غیرقانونی در فرایند داوری تا حدودی اتفاق می‌افتد و پولشویی به عنوان یکی از رایج‌ترین شکل‌های ادعا است که می‌تواند به عنوان جرم موضوع قرارداد را تحت تأثیر قرار دهد. (Schwarz, 2009: 143) به هر حال در این راستا بخشی از سیاست‌های عمومی اکثر حوزه‌های قضایی و احتمالاً سیاست عمومی کشورها در عرصه فرامرزی به نظر این است که تا قراردادهایی را که توسط پولشویی باطل و بی‌اثر شده‌اند را داوری کنند.

با توجه به نتیجه ادعای موفقیت‌آمیز پولشویی بی‌اعتبار بودن قرارداد اصلی، یک متهم که با ادعایی مبنی بر نقض قرارداد روبرو است، می‌تواند برای فرار از تعهدات

قراردادی خود این ادعاها را به عنوان دفاع معرفی کند. امکان ارائه ادعاهای بی دلیل به همین دلیل باید در هنگام تصمیم‌گیری در مورد معیارهای رویه و داوری در مورد اختلاف توسط داور مورد توجه قرار گیرد.

وقتی ادعای پولشویی توسط یکی از طرفین مطرح شود، نقش داور کاملاً صریح است. در این سناریوها، داور باید این ادعا را به سادگی مورد تأیید قرار دهد و آن را تا آنجا که لازم است برای رسیدگی به دعوا پیش‌بینی کند، مورد بررسی قرار دهد. (Hwang, 2013:22) در حقیقت، اظهار می‌شود که داور موظف است ادعاهای غیرقانونی را مطرح‌کننده احزاب از این طریق به منظور تحقق وظیفه خود اقدام می‌کنند. (Born, 2014:584) در یک حکم اخیر که ادعای فساد ارائه شده است، دادگاه بین‌المللی لاهه مجدداً این تعهد را به شرح زیر تکرار کرد: «بر این اساس، اگر در حین فرایند داوری ادعاهایی مطرح شد مبنی بر اینکه معامله حقوقی اساساً تحت تأثیر سودهای نامشروع است، داور نمی‌تواند این حقایق را نادیده بگیرد بلکه در عوض باید تحقیق کند، استدلال و شواهد را جمع کند تا تأیید یا رد اتهامات را انجام داده و پیامدهای ادعاها را بر طرفین ارزیابی کند.» (Ziadé, 2015:119)

همانطور که از این نقل قول می‌توان فهمید، مبنای اعطای حکم داوری با این تلقی به استدلال و شواهدی که بلافاصله طرفین در حمایت از ادعای خود ارائه نمی‌دهند، نباید همان نگرانی‌های فوق‌العاده کوچک را به عنوان موارد زیر مورد بحث قرار دهد. بنابراین، حتی اگر ادعای پولشویی نیز توسط طرفین مورد بررسی قرار نگرفته باشد، داور باید آن را بررسی و حل کند. طبق گفته‌های گیلارد^۱ و ساویج^۲، برای این که حکم در مورد پولشویی به رسمیت شناخته نشود؛ طرفی که از ادعای پولشویی منتفع می‌شود؛ بایست ادعای خود را به اثبات برساند. که در این فرایند نتواند مدرک و یا گواهی ارائه ندهد. (Gaillard, 1999:940) همانطور که با سناریویی که در ادامه مورد بحث قرار می‌گیرد، بررسی چنین ادعاهایی باید حداقل در ابتدا با پرسیدن طرفین نظر خود را در مورد این موضوع انجام دهد. مدیریت فعال پرونده، در جایی که داوران اعلام کنند که حقایق خاصی نیاز به تشریح بیشتر دارند، ترجیح است. با این حال، هنگام انجام چنین

¹. Gaillard

². Savage

فعالیت‌هایی، داور باید به اصل روند رسیدگی صحیح توجه داشته باشد، و به ویژه محتاط باشد که از بیطرفی خود در تحقیق یا تحقیق در مورد واقعیت‌هایی که ممکن است به نفع یک طرف باشد، خودداری کند. چگونگی دستیابی به این تعادل باید به صورت موردی مشخص شود.

سناریوی دوم ممکن است زمانی ایجاد شود که هیچ‌گونه ادعایی از طرف هریک از طرفین وجود نداشته باشد، اما در جایی که داور این ظن را داشته باشد که ممکن است موضوع با درگیری با پولشویی ایجاد شده باشد. در مورد اینکه چرا یک طرف ادعای پولشویی را ارائه نمی‌دهد، یک دلیل وجود دارد، اگرچه نشانه‌های خاصی وجود دارد که به وجود آن اشاره دارد. بنابراین در این راستا نخست، مدعی مذکور ممکن است بداند و یا مشکوک باشد که طرف دیگر قرارداد از طریق روابط پیمانکاری خود پول را تطهیر می‌کند، اما به دلیل عدم مشروعیت خود نمی‌خواهد این ادعا را مطرح کند. دوم اینکه؛ طرف مربوطه ممکن است از رفتار غیرقانونی و نامشروع خود به طور کلی مطلع نباشد. سوالی که باید در هر دو سناریو از طرف داور پاسخ داده شود این است که آیا وی به دلیل ظن وی مجاز است که فرض پولشویی را مطرح کند. به دلیل ظن خود مبنی بر اینکه این پول ممکن است با پولشویی کاهش یابد. یافتن پاسخی رضایت‌بخش به این موضوع بسیار پیچیده است و اختلاف نظر در مورد این موضوع بین مفسران وجود دارد. پیچیدگی مسئله از آنجا ناشی می‌شود که این وضعیت شرایط دشوار را برای داور فراهم می‌کند که در آن او بین سه راه ممکن رفتار، نسبتاً غیرقابل پیش‌بینی، جهت انتخاب خواهد ماند.

در این خصوص ابتدا، داور می‌توانست تصمیم خود را بر اساس ادله ارائه شده توسط طرفین به سختی اتخاذ کند و بدون هیچ‌کوششی به سوء ظن خود عمل کند. دوم، داور می‌تواند مسئله پولشویی را با توجه به توافقی که بین طرفین در خصوص داوری شده است پیگیری کند. سوم، داور می‌تواند خاتمه مراحل داوری را انتخاب کند. مسیری که داور در این زمینه انتخاب کرده است باید در معرض توازن دقیق اصول اساسی استقلال طرفین، روند قانونی و نهایی بودن حکم باشد.

استدلال به نفع اولین انتخاب، برای خارج شدن از مطالبات مطرح شده توسط طرفین، این است که هیچ انحرافی از خواست دو طرف قرارداد وجود ندارد. همانطور که گفته شد، اصل استقلال طرفین برای داوری تجاری بین‌المللی ضروری است. به این ترتیب، چارچوب اختلاف توسط طرفین قرارداد برقرار می‌شود و داور موظف است اختلاف را در محدوده‌ای که طرفین ارائه می‌دهند، تجدیدنظر کنند. (Hobér, 2011:159) هنگام بحث در مورد قابلیت‌های مصداقی به طور رسمی از داوران، باید در نظر داشته باشید که فرایند‌های داوری ماهیت پرسشگری (بازجویی) ندارند. نقش یک داور بین‌المللی را نباید با نقش یک قاضی دادگاه یا دادستان یکسان دانست. در نتیجه، رسالت داور یکی از یافتن حقیقت نیست، بلکه برای حل و فصل اختلافات به روشی است که از نظر توافق و حقوق طرفین محکم باشد. این دیدگاه خاص در اولویت دادن به حکمی که در آن نامشروع بودن جهت موضوع تعبیر شده، لذا نوعی فساد در قالب رشوه را القاء می‌کند. در این خصوص، دادگاه اظهار داشت که ادعاهای مربوط به فساد باید توسط طرفین مطرح شود (Ziadé, 2015:72) و البته باید مد نظر قرار داد که دادگاهها قدرت انجام تحقیقات رسمی را به طور مستقل و در موارد محدود و اندکی دارند. به همین ترتیب، در یک حکمی، دادگاه اظهار داشت که شخص متهم است که باید حقایق و مدارک مربوط به رشوه را ارائه دهد و هیچ تعهدی برای دادگاه برای تحقیق در مورد واقعیتی که توسط طرفین ارائه نشده وجود ندارد. در دادگاه حکم مرتبط به (وستینگ‌هاوس)^۱ نیز فرایند مشابهی اتخاذ کرد که دادگاه تصمیم گرفت تحقیقات را انجام ندهد زیرا متهم موفق به اثبات رفتار فاسد ادعایی نشده است. بنابراین، تحقیقات در این چارچوب و با این وضعیت بحث برانگیز است زیرا ممکن است در تضاد با استقلال طرفین باشد، که همانطور که گفته شد، این اصل جایگاه به خصوصی در داوری تجاری بین‌المللی دارد. با این حال، استدلال‌های مربوط به تحقیقات در این زمینه فقط مبتنی بر استدلال تحقیقاتی از این دست مغایر با اصل استقلال طرف نیست. در عوض، خطر مشخص تحقیق در مورد پولشویی در هنگام ارائه مطالبات یا حقایق توسط طرفین این واقعیت است که ممکن است یک داور در انجام این کار از اختیارات خود فراتر رود. نتیجه

¹. Westinghouse

احتمالی این امر خواهد بود که یک حکمی که بر اساس چنین تحقیقات صورت گرفته باشد، می تواند فوق العاده تلقی شود. پس در اکثر حوزه های قضایی این جایزه را به چالش می کشد یا از رسمیت شناختن ممتنع می سازد. (Blackaby,2015:17)

همانطور که با اکثر مواردی که به آن اشاره شده است، قانون ملی مربوطه میزان دقیقی را که به موجب آن می توان یک حکم را به چالش کشید یا از تشخیص آن امتناع ورزد، تعیین می کند. بنابراین دادگاه باید هنگام رسیدگی به اختلاف نظر به آیین نامه داخلی مربوطه توجه داشته باشد. با این حال می توان یک تحلیل صرف را براساس این منابع بنا کرد. مطابق ماده پنجم (۱) (ج) کنوانسیون نیویورک، اعطای حکم را می توان رد کرد اگر: « این حکم با تفاوتی در نظر گرفته نمی شود که در شرایط تسلیم داوری مورد نظر قرار نگرفته باشد، یا شامل تصمیماتی در مورد موارد فراتر از محدوده تسلیم داوری باشد.» (Blackaby,2015:17)

دو نوع شیوه از حد مجازات وجود دارد که می تواند در رابطه با تحقیقات شخصی داور در زمینه پولشویی به عنوان مناسب شناخته شود. بنابراین نخستین مورد مجازات در این حوزه، ممکن است در شرایطی باشد که داور در مورد ادعاهایی که توسط طرفین ارائه نشده است، تصمیم بگیرد. دوم اینکه، در صورت صدور داوری براساس مواردی که خارج از محدوده توافق داوری باشد، همان عواقب ممکن است ایجاد شود. بنابراین، در ارزیابی خطر اعطای حکم به دلیل تحقیقات مستقل که توسط داور انجام شده است، داور باید به توافقنامه داوری و همچنین ادعاها، حقایق و مدارکی که توسط طرفین ارائه شده است، توجه کند. این واقعیت که دیوان مجبور است مسئولیت تعیین این حکم را به دلیل ملاحظه بیش از حد وظیفه در نظر بگیرد، ناشی از الزام به ارائه یک حکم قابل اجرا است. معمولاً دادگاههای ملی این دلیل را برای امتناع بسیار محدود رد می کنند. (Born,2014:987) در نگاه اول، به نظر می رسد علیرغم فقدان یا ارائه چنین ادعاهایی، یک تحقیق مستدل در مورد موضوع پولشویی با وجود عدم ارائه ادعاها، نمونه ای مهم از صدور حکم باشد. با این وجود تعدادی استدلال معتبر به نفع یک عقیده مخالف وجود دارد. از همه مهمتر، داوران عموماً محدود به بررسی دقیق اظهارات طرفین نیستند. در عمل، دادگاهها نیز حق دارند موضوعات حقوقی ناشی از تسلیم طرفین و حتی

مسائل حقوقی حادثه ای را در نظر بگیرند. در ادامه این استدلال، می توان اینگونه ادعا کرد که داوران مجاز هستند مواردی را که برای حل اختلاف در دست هستند بدون اقدام به صدور فوق العاده در نظر بگیرند و تحقیق کنند. بنابراین، داور فقط در صورت اقدام فوق العاده عمل می کند. این در صورتی است که رفتار جنایی هیچ گونه عواقبی در مورد ادعاهای طرفین نداشته باشد. از آنجا که نتیجه اصلی قراردادن پولشویی غالباً بی اعتبار بودن قرارداد مذکور است، این موضوع برای هر گونه مطالبه قراردادی ناشی از توافق اصلی بسیار مرتبط است. بنابراین، تحقیقات در مورد پولشویی نباید در اکثریت مطلق اختلافات مربوط به حقوق یا تعهدات ناشی از یک قرارداد اصلی که نزد داوران مشکوک است بیش از حد صلاحیت را تشکیل ندهد. به هر حال طبق یک رشته اعتقادات؛ حکمی که دادگاه در مورد عنصر جنایی تحقیق داده است، منجر به این ادعا نمی شود که مورد بررسی قرار گیرد، زیرا چنین تحقیقاتی برای تعیین موضوعات مربوط به حوزه قضایی مورد بحث فوق ضروری است.

در نهایت در این زمینه باید عنوان کرد حتی اگر این وضعیت به منزله تعارض بین استقلال طرفین و اعطای حکم قابل اجرا، با توجه به سیاست های عمومی تلقی شود، با وجود استدلال هایی که به نفع آن وجود دارد، سیاست های عمومی ممکن است هنوز هم در دست بالا را باشد. برخی از مفسران استدلال می کنند که سیاست های عمومی باید بر سایر اصول قانونی از قبیل تعهد به آثار حکم تعیین شده توسط طرفین صحه بگذارد. با این حال به نظر می رسد این استدلال چندان مناسب نیست با این استدلال، تضاد مستقیمی بین هنجارهای موجود یعنی تعهد به حکم و سیاست های عمومی حاکمیتی به وجود می آید.

سرانجام، در تصمیم گیری در مورد میزان تحقیقات، باید واقعیت ملموس بودن ماهیت پولشویی را در خاطر داشته باشید. از دیدگاه عملی، جای سوال دارد که آیا تحقیق انجام شده توسط داور در برابر خواست طرفین ممکن است به دلیل مشکلات عمیق مرتبط با اثبات پولشویی، نتیجه ای حاصل کند یا خیر. سازماندهی شواهد قابل استناد و ملموس، یا حتی مجموعه ای از شواهد و مدارک قابل قبول، که به اندازه کافی جهت اثبات پولشویی مد نظر قرار می گیرند، یک کار چالش برانگیز است حتی برای دادستان های

داخلی که مجهز به ضمانت اجرا های قوه قضاییه هستند. (Bell,2006:23) بنابراین ، قرار دادن زنجیره ای از شواهد که اثبات همه موارد موضوعات مطروحه را با هم پیوند می دهد، از تخلف معمول تا این واقعیت که قرارداد مورد نظر، برای شستن وجوه ناشی از این منبع و منشأ استفاده شده است، ممکن است به یک موضوع بیش از حد خطیر برای دادگاه تبدیل شود.^۱ ای در حالی است که حتی ممکن است مفروض شود، متهم است. متهم ممکن است در تعاونی که در تلاش شخص متبوع داوری قرار دارد، دسترسی به اطلاعات لازم را برای اثبات این که قرارداد در واقع با پولشویی تضعیف شده است، نداشته باشد.

۱-۴- بار اثبات در فرایند داوری در پولشویی

داورها به عنوان عناصر حل و فصل اختلاف، وظیفه دارند که شواهد ارائه شده را ارزیابی کنند. (Born,2014:2306) یکی از ویژگیهای برجسته داوری تجاری بین المللی، که ناشی از اصل اساسی استقلال طرفین است، این است که طرفین از آزادی قابل توجهی برای تصمیم گیری درباره رویه داوری برخوردار هستند. این آزادی مأموریت شامل توافق بر سر مقررات مربوط به شاهد، مانند تخصیص بار اثبات و همچنین استاندارد اثبات است. اگر رویه مطابق توافق طرفین انجام نشود، ممکن است از اعطای حکم یا اعدام خودداری شود.

در عمل، معمول نیست که طرفین قبل از مشاجره در مورد این موضوعات با هم توافق کنند. (Born,2014:2143) معمولاً در این خصوص صرفاً به مجموعه ای از قوانین نهادی اشاره می شود. همانطور که در بحث در مورد مسائل سنگین و استاندارد اثبات دیده می شود، این قوانین گسترده است و امور ادله را به طور جامع تنظیم نمی کند. اگر طرفین نتوانند این توافقات را به وسیله توافقی دیگر جایگزین کنند، وظیفه تصمیم گیری در مورد آیین دادرسی دعوی در اختیار دادگاه است. استقلال طرفین به علاوه صلاحیت محکمه رویه ای را در این زمینه ایجاد می کنند، که توسط مقررات اجباری قانون ملی قابل اجرا است. (Kreindler,2015:19) با این اوصاف در درجه اول قانون مقر داوری، و

۱. این موارد مشکلات شناخته شده در رابطه با اثبات پولشویی توسط یک طرف قرارداد در بحث اخیر می باشد که در مورد فساد توسط گزارش داوری جهانی برگزار شد، ذکر شده است.

قوانینی که جزئی از سیاست‌های عمومی است، محدود می‌شود. این قوانین عمدتاً مربوط به حمایت از ارزشهای اساسی عدالت رویه ای است. (Born,2014:2162) تنها به ندرت و در موارد استثنایی احکام براساس قوانین اجباری رویه ای رد می‌شوند و یا برطرف نمی‌شوند. این یک شاخصه رایج در اکثر حوزه‌های قضایی است که داوران موظف به اجرای آیین دادرسی مدنی مقر داوری یا هر قانون ملی دیگری نیستند، و هیچ "کد" بین‌المللی از قوانین رویه ای وجود ندارد که داوران باید آن را اعمال کنند. بنابراین می‌توان شاهد رویه‌های متشدد و مختلف از حوزه‌های مختلف قضایی بود. به ویژه این موضوع که بعضاً حوزه ای بین‌المللی را در بر می‌گیرد.

با توجه به این انعطاف‌پذیری ذاتی و دشواری‌های عمیق اثبات مرتبط با جرایمی نظیر پولشویی و فساد، استفاده ابزاری از بار و استاندارد اثبات در این زمینه مورد بحث و بررسی گسترده دانشگاهی قرار گرفته است. امکان تطبیق قوانین رویه برای اختلاف در مورد یک اصل اساسی و مزیت داوری تجاری بین‌المللی است. با این وجود، دیدگاهی که مبنی بر تمسک به بار و استاندارد اثبات توسط قانون داخلی قابل اجرا حاکم است، نیز وجود دارد. قوانینی که مسئولیت بار اثبات را در نظر می‌گیرد، جزئی از قانون آیین دادرسی محسوب می‌شوند. و بنابراین توسط قانون محب داوری یا بر اساس رهیافت‌های قانون اساسی اداره می‌شود که می‌تواند دو عملکرد را بر اساس آن یافت؛ نخست: قانون محل قرارداد و دیگر قانون محلی که طرفین در قرارداد توافق نموده‌اند. مفسران استدلال به نفع دومین رویکرد یعنی قانون محل قرارداد، (Waincymer,2012:763) تأکید می‌کنند که بار اثبات و استاندارد اثبات بر ادعای طرفین تأثیر می‌گذارد و جدا کردن بار اثبات از قواعد اساسی، می‌تواند موجب تحریف قواعد حقوقی اساسی شود. (Born,2014:2314) تعیین قانون قابل اجرا در این رابطه بسیار مهم است زیرا هر دو، بار و استاندارد اثبات در سیستم‌های مختلف حقوقی مختلف را تنظیم می‌کنند. طبق نظر «بورن» که معتقد است، دیدگاه متعارف این است که بار اثبات را بر مبنای تخصیص انتخاب (توافق طرفین) قرار ندهیم، بلکه اجازه دهید مجموعه ای متناسب از قوانین رویه ای همانطور که در بالا توضیح داده شد، فراهم شود (Born,2014:2314) این رویکرد می‌تواند اهمیت مواجهه یک جرم پیچیده تحت عنوان پولشویی و ادعاهایی که

قرارداد های موجب آن را نفی یا اثبات می کند، باشد. بنابراین به نظر می رسد این دیدگاه کاملاً پویا است و در اکثر موارد منجر به نتایج رضایت بخش می شود. پس، بار و استاندارد اثبات باید به عنوان مفاهیمی تلقی شود که می توانند به تعیین اصل استقلال دادگاهها اختصاص یافته و شکل گیرند. به نظر می رسد این رویکرد در اقدامات داوری نیز جایگاهی دارد. به گفته ویلسک و فاکس ، گرچه دادگاهها غالباً تمایل دارند به طور ضمنی قانون حاکم بر موضوع دعوا را برای مسائل سنگین و استاندارد اثبات اعمال کنند. حتی برای دادگاههای داوری رایج تر است که از روشهای خودمختاری استفاده کرده، همانطور که در بالا به این موارد اشاره شد.

با توجه به نحوه تفسیر جرم پولشویی در ابزارهای بین المللی مورد بحث در بالا، چهار واقعیت کلی وجود دارد که برای اثبات پولشویی باید مد نظر قرار داده شود. نخست اینکه، وجود یک تخلف محمول مربوطه باید اثبات شود؛

دوم، باید نشان داد که طرفین خواهان اگر پولشویی را به عنوان دفاع مطرح کنند، وجوهی را که توسط جرم ارتکاب پیدا کرده، دریافت کرده باشند؛ سوم، اینکه طرف مورد نظر از این واقعیت که وجوه به دست آمده از منشأ ارتکاب جرم بوده است؛

چهارم اینکه، این وجوه از طریق روابط پیمانکاری حاکم بر اصلی قرارداد اختلاف منتقل یا در موارد دیگر مورد استفاده قرار گرفت. در مرحله چهارم باید اثبات کرد که وجوه غیرقانونی به منظور پنهان کردن منشأ جنایی آنها منتقل شده است. عناصر دقیقی که باید در هر یک از این مراحل به اثبات برسد، به قانون کیفری قابل اجرا بستگی دارد. این به ویژه در صورتی صورت می گیرد که هر دو طرف با هرگونه سوء ظنی که ممکن است داور نسبت به پولشویی داشته باشد، مخالفند. (Coello Hedberg, 2016:53) بنابراین اگر دادگاه قادر به دسترسی به شواهد مربوط به اقدامات کیفری داخلی باشد ، این موضوع می تواند به تسهیل اثبات امر مساعدت کند. در پرونده های شرکت هلدینگ در برابر جمهوری دموکراتیک کنگو و نیکو، منابع دادگاه در حقیقت همان منابع پذیرفته شده و شواهد جمع آوری از شرح مذاکرات پرونده داخلی بوده است. هر چند شواهد و مدارک

پذیرفته شده مربوط به داوری سرمایه گذاری بودند، با این بیان می توان تعمیم داد که این امر در داوری تجاری بین المللی نیز امکان پذیر است. (Kendra, 2014:451)

به نظر می رسد در یک دادخواهی متعارف و عادلانه، قاضی دادگاه موظف است ادعاهای ارائه شده توسط مدعی را قبوی یا رد کند. بنابراین عدم صدور حکم قاطع می تواند به منزله انکار عدالت باشد. با این وجود، علی الاصول، ممکن نیست واقعیت های مرتبط با اختلافات را در هر پرونده به این طریق تعیین و مشخص کند. در چنین شرایطی، بار اثبات به عنوان یک مفهوم تسهیل کننده وجود دارد که به دادگاه اجازه می دهد حکم را صادر کند حتی اگر عدم اطمینان های واقعی یا حقوقی درباره ادعای مورد نظر یا موضوع اختلاف ادامه داشته باشد. بنابراین، مفهوم بار اثبات اساساً یکی از تخصیص ریسک هاست، در حالی که طرف وارد شده به آن ریسک می کند که برخی مسائل حقوقی یا قانونی از عدم اطمینان باقی بماند. مانند داوران قراردادی، داوران وظیفه دارند دعوای مربوط به طرفین را مطرح کنند. در زمینه پولشویی، در جایی که مسائل مربوط به ادله در جایگاه مقدم قرار دارد، اختصاص بار اثبات از اهمیت حیاتی برای نتیجه اختلاف برخوردار است. این امر در بین دادگاههای داوری قابل اعمال، متداول است که اصل عملکرد مشروط یعنی؛ مسئولیت اثبات دعوای را تحمل کند. به این معنی که طرفین مسئولیت اثبات حقایقی را که بر اساس آنها ادعا یا دفاع خود را بر عهده دارند تحمل می کنند. در حقیقت، دادگاه در پرونده داوری پیمان سرمایه گذاری، بین شرکت متال تیچ^۱ در برابر مقابل ازبکستان مسئولیت اثبات موارد ادعایی را یک اصل کلی حقوق بین الملل دانست. به گفته بلکبی و همکاران^۲، این اصل به طور کلی در داوری بین المللی پذیرفته می شود، با این که حتی می توان آن را بخشی از سیاست های عمومی فراملی در رویه ای لحاظ کرد.

همانطور که در بالا توضیح داده شد، اثبات پولشویی با مشکلات قابل توجهی همراه است. نخست، هدف از تخلف پنهان کردن منشأ مشکوک وجوه از طریق معاملات به ظاهر قانونی است؛ دوم، پولشویی همانطور که در اسناد بین المللی مربوطه پیش بینی شده است، در مورد چهار عنصر مختلف که در بالا توضیح داده شد، نیاز به مدرک قانع

^۱.Metal Tech

^۲.Blackaby et al

کننده دارد؛ علاوه بر این، طرفی که مرتکب پولشویی شده است طول می کشد تا رویکرد های خود را با توجه به همه این عناصر پوشش دهد. از این رو، بار اثبات بر روی شخص مدعی پولشویی در یک قرارداد، سنگین تر خواهد بود. مسلماً، پیچیدگی ذاتی و فراملی بودن روشهای مدرن پولشویی، اثبات این امر را اثبات جرم و جنایت سخت تر از رشوه و انواع دیگر فساد می داند. در حالی که نشان می دهد که یک معامله تحت اثبات کاذب برای تعیین نمودن این امر کافی بوده است. بنابراین ایجاد پولشویی مستلزم اثبات این موضوع است که نه تنها عناصر عینی مانند وجود جرم ارتكابی، بلکه جهات شکلی ادعا نیز بایست اثبات شود. آگاهی از مبدا وجوه و قصد شستشوی این موارد از طریق معامله تنظیم شده توسط توافق طرفین خواهد بود. علیرغم دشواری های اثبات وقوع گذشته و شرایط جرم ارتكابی، عوامل ذهنی مانند علم و قصد نیز بایست به اثبات برسد.

محاكم و مفسران نیز به عنوان راهی برای کاهش این مشکلات عملی، امکان تغییر بار اثبات را لمس کرده اند. مطابق این دیدگاه، بار اثبات به طور پیش فرض به متهم منتقل نمی شود، اما اگر طرف متهم بتواند برخی از مدارک و شواهد مربوط به اقدامات جنایی را ارائه دهد، به طرف منتقل می شود. (Mills,2003:294) با انجام این کار، متهم باید برای تحمل بار خود ادعای پولشویی را رد کند و در معرض خطر عدم اطمینان قرار نگیرد. (Rose,2014:216) در واقع استدلالهایی وجود دارد که هم برای مخالفت و هم در مقابل تغییر بار اثبات در اختلافات ناشی از قراردادهایی که توسط پولشویی به وجود آمده است، یافت می شود.

اگر ماهیت تغییر بار اثبات به عنوان ارائه مدارک در نظر نخست توسط طرف متهم تلقی شود، باید در نظر داشت که برای اثبات شواهد بدیهی است که چندان لازم نیست، زیرا این کمترین استاندارد قابل تصور برای اثبات است. (Rose,2014:217) بنابراین، تحریک یک تغییر یک وظیفه است که به راحتی توسط طرف ادعا انجام می شود. کوهالهی^۱ همچنین معتقد است که جابجایی بار اثبات می تواند ابزاری مناسب برای برطرف کردن مشکلات مرتبط با فساد باشد. با این حال، این مفسر معتقد است که انتقال بار اثبات باید

^۱.Kvhalei

هنگامی رخ دهد که «تعداد ادله ابرازی» توسط متهم ارائه شود. بسته به چگونگی درک سطح کفایت، این گزاره ممکن است متفاوت از تغییر در ارائه مدارک بدیهی باشد. به تعبیر کلی تر، هابر اظهار داشت که این نظر بیشتر دادگاه‌های بین‌المللی است که بار اثبات بسته به شرایط اختلاف می‌تواند تغییر کند. (Hobér, 2011: 238) البته ناگفته نماند که؛ این بیانیه در رابطه با زمینه پولشویی یا فساد بیان نشده است.

بحث اصلی برای جبران بار اثبات از این طریق، مشکلات ذاتی اثبات فساد است. همانطور که در بالا بحث شد، این استدلال باید حداقل در مورد قراردادهایی که توسط پولشویی و فساد در نظر گرفته شده اند، قابل دوام باشد. استدلال دیگری که بارها به نفع تغییر بار اثبات در پرونده‌های مربوط به فساد مطرح شده است، این است که برای یک طرف بی‌تقصیر باید مدارکی تهیه کنید که برای تبیین عناصر مشکوک و مقابله با ادعاهای بی‌اساس فساد کافی باشد. (Rose, 2014: 217) در زمینه فساد، باید اذعان کرد باید در واقع توجیه قانونی و هدف تجاری دارند. در چارچوب پولشویی، روشن‌ترین مثال شاید اسناد و مدارک باشد که منشأ قانونی وجوهی را که متعاقباً از طریق معامله تحت کنترل اصلی قرارداد منتقل شده اند نشان می‌دهد. به عنوان مثال، اطلاعات مربوط به وجوه منتقل شده بین طرفین و شرایط پیرامون این معامله نیز می‌تواند نمونه‌ای از چنین مدرکی باشد. علاوه بر این، سوابق می‌تواند نگرانی‌های مربوط به معاملات بانکی یا ساختار مشکوک شرکت‌ها را کاهش دهد و همچنین در این زمینه مورد توجه واقع شود. مسلماً، تهیه این اطلاعات برای طرف متهم به پولشویی آسان‌تر و در نتیجه رد این ادعا در بیشتر موارد خواهد بود. با این حال، نتایج مشابهی ممکن است توسط دادگاه حاصل شود که طرف مذکور ملزم به تهیه چنین اسناد و مدارک و نتیجه‌گیری منفی از واقعیت نهایی است که به این تدبیر رعایت نمی‌شود.

انتقال بار اثبات به دلیل موضع آشکار آن می‌تواند بحث برانگیز باشد. علاوه بر این، تعدادی از دادگاه‌های داوری موضعی در برابر تغییر بار اثبات پذیرفته‌اند. متأسفانه، تنها احکام در دسترس عموم در پرونده‌های داوری پیمان سرمایه‌گذاری اعطا شد. با این حال، استدلال مزبور در زمینه داوری تجاری بین‌المللی نیز قابل دوام است. در این راستا می‌توان به یک پرونده اشاره کرد. بنابراین در یک پرونده داوری سرمایه‌گذاری

که در سال ۲۰۱۴ طرح شد، والرئ بلوکون علیه جمهوری قرقیزستان، محکمه در مورد این موقعیت به طور اجمال بدین ترتیب تصمیم گرفت که: «پولشویی یک مشکل جدی است. هر محکمه ای که با ادعاهای مربوط به پولشویی روبرو شود باید شواهد را با دقت و صحت بررسی کند. با این وجود، جدی بودن جرم ادعایی مستلزم این نیست که اصول اساسی مراحل مقرر یا بار اثبات بتواند یا باید در برخورد با چنین ادعاهایی آرام شود.» به همین ترتیب، ماهیت بحث برانگیز مفهوم تغییر بار اثبات، بسیاری از مفسران را به انتقاد از این گزاره سوق داده است. استدلال کاملاً محکم این است که جابجایی بار اثبات با چنین روشی می تواند مغایر با اصل فرایند پرداخت باشد.

برای نتیجه گیری، اظهار می شود که بار اثبات نباید انتقال یابد. در واقع، انجام مداخله در اصل مراحل مقدماتی، که در کنوانسیون نیویورک، قانون مدل و اساسنامه داخلی بیشتر حوزه های قضایی از آن حمایت می کند، بسیار بزرگ است. علاوه بر این، از آنجایی که می دانیم ادعاهای مربوط به رفتار مجرمانه در دادرسی ها به عنوان روشی برای دادرسی مورد استفاده قرار می گیرد. این رویکرد اجازه می دهد تا بار اثبات در نظر اول انتقال یابد، یا اثبات مبلغی کمتر و یا معادل، با چنین تکنیک هایی موفق عمل کند. انتقال بار اثبات به ویژه در پرتو اثبات مبالغ کمتر و یا معادل باعث می شود تا آنچه اتفاق می افتد، صرفاً حواس پرتی دادگاه باشد که تهدیدی جدی است برای صداقت دادگاه و حقوق رویه طرفین که می تواند فرایند صدور حکم را به خطر بیندازد. چنین نظمی در داوری تجاری بین المللی قابل قبول نیست. با این وجود، تأثیرگذاری بر تعهدات مورد نظر قرارداد که در آن بار اثبات به طرف متهم با تعیین سطح مناسب انتقال یافته است، یک جایگزین مناسب در رابطه با اثبات پولشویی است. استفاده از استاندارد اثبات پایین تر از این طریق به معنای انتقال بار اثبات نیست. ریسک عدم اطمینان هنوز بر عهده طرفین قرارداد است. به واسطه آن ادعا می کنند که قرارداد مورد نظر با پولشویی ضعیف شده است و فرقی نمی کند این عدم قطعیت ناشی از این باشد که طرف متهم قادر به ارائه مدارک کافی در وهله اول نباشد یا اینکه متهم با موفقیت در شواهد و مدارک کافی که ارائه شده است، مخالفت کرده باشد. پس باید بیان کرد، دادگاه

قادر به تنظیم روالی است تا منعکس کننده ماهیت پولشویی بدون به خطر انداختن ملاحظات همزمان باشد.

نتیجه گیری

برای هر موضوعی قطعاً مبانی وجود دارد که ضرورت‌های وجودی آن را ایجاب می‌کند. در مبانی، ما از «هست‌ها» صحبت می‌کنیم و از «هست‌ها»، «بایدها» را انتزاع می‌کنیم. به عبارت دیگر هست‌ها «مبنا» هستند و بایدها «اصل» را تشکیل می‌دهند. برای مثال، اصل بر محرمانه بودن اسرار مالی و هویتی اشخاص می‌باشد. در تحصیل دلیل است و هر دلیلی که به روش نامعقول به دست آمده باشد، خدشه‌ای بر این «باید» یعنی اصل است. اما گاهی مواقع مبنا مصالحی است که ممکن است اصل را درنوردد و بدون توجه به آن به کشف واقع بپردازد. با توجه به این‌که نباید از طریق نامتعارف دلیل را با توجه به «اصل توضیح داده شده» کسب کرد، اما برخی مواقع با مصلحت‌هایی که در نظر گرفته می‌شود مبنا را توجیه می‌کند و اصل، علی‌رغم این که رعایت نشده، قانونی یا مشروع جلوه می‌کند؛ مانند این‌که متهمی دستگیر شده ولی نمی‌توان دلایل معقولی برای اثبات جرم او به دست آورد و با توجه به فراگیری آن در جامعه و قانع نمودن افکار عمومی متوسل به استثنائاتی در تحصیل دلیل می‌شویم. یا در مثل نخست برای اینکه بتوان پولشویی را اثبات کنیم، استثناء قائل شده و از اصل محرمانگی اطلاعات مالی و هویت شخص عبور می‌کنیم. به هر حال در هر جرمی از جمله پولشویی قانون به منظور حفظ کرامت انسانی در هنگام کسب دلایل راه‌کارهای لازم را ارائه نموده است و با تعیین مقرراتی، مقابل اعمال خودسرانه می‌ایستد. از طرفی به عنوان یکی از اصول مترقی و مبتنی بر کرامت انسانی در هنگام بازجویی از متهم بایستی او دارای اراده‌ی آزاد باشد و هرگونه عملی که به اراده متهم خللی وارد نماید، باعث بطلان تحقیقات خواهد شد. بنابراین هر گونه اقرار مبتنی بر شکنجه یا هر نوع خشونت فیزیکی، سلب قوه‌ی اختیار از طریق روش‌های منع شده مانند هیپنوتیزم و استفاده از دستگاه دروغ‌سنج باعث بطلان تحقیقات می‌شود. از این بیان می‌توان استدلال کرد: هر زمانی که اراده‌ی آزاد برای اقرار به جرمی وجود نداشته باشد نتوان چنین مواردی را پذیرفت. حال با توجه به این مبنا باید اذعان کرد قوانینی که القاء گر شیوه‌های سنتی و نوین اثبات جرم می‌باشد، رویکرد

هایی چالشی دارند. آیین دادرسی کیفری جلوه گاه تقابل میان « امنیت عمومی » و « آزادی های فردی » ، و به تعبیر دیگر ، صحنه چالش میان حفظ نظم و امنیت عمومی ، و حراست از حقوق بشر و آزادی های فردی است. « حق دادرسی کیفری » و به عبارت دیگر « حق دادرسی و محاکمه عادلانه و منصفانه » چه از منظر جامعه و اجتماع نگرینسته شود و چه از دیدگاه متهم به جرم کیفری مورد ملاحظه قرار گیرد، در هر حال ضامن و پشتیبان کلیه حقوق و آزادی هایی است که از مرحله شروع تحقیقات مقدماتی در مورد یک عمل مجرمانه و پدیده بزهکارانه تا زمان اجرای حکم کیفری، باید مورد احترام تمام ارگان ها و مقامات و مراجع ذیربط قرار گیرد. به واقع ، رعایت اصول و قواعد ناظر به تحصیل دلیل در روند یک دادرسی عادلانه و منصفانه می تواند در جهت حفظ و صیانت از حقوق و آزادی های فردی و اجتماعی اعضای جامعه از اهمیت بسیار زیادی برخوردار باشد و در این مسیر استفاده و بهره بردن از استانداردها، قواعد و رهنمودهای موجود در اسناد بین المللی حقوق بشر، کنوانسیون ها و کمیسیون های بین المللی در جهت اجرای یک دادرسی عادلانه و منصفانه و حفظ حقوق و آزادی های افراد می تواند در وهله اول برای مقنین ذیصلاح و سپس برای مقامات و ارگان های قضایی کارایی مثبتی را ایجاد نماید. با این اوصاف و با توجه به ماهیت جرم پولشویی که می تواند حساسیت بی حصری در فرایند جرائم مالی داشته باشد، اتخاذ اصول اثبات نه تنها لازم که ضروری می باشد.

منابع

عباسی، اصغر، (۱۳۸۵)، بررسی مساعی بین المللی در زمینه مبارزه با پولشویی و رویکرد نظام حقوق ایران در قبال آن، رساله دکتری، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، تهران.

میر شکاری، عباس، (۱۳۸۹)، تحلیل بار اثبات در جرم پولشویی، ماهنامه کانون، ش ۱۱۴.
Andrew Clark and Peter Burrell, (2003), A practitioner's Guide to International Money Laundering Law & Regulation

- Bell, R (2006) Proving the Criminal Origin of Property in Money – Laundering Prosecutions, *Journal of Money Laundering Control*, Vol,4.
- Blackaby, Nigel, Partasides, (2015) Constantine, Redfern, Alan, Hunter, J. Martin, Redfern and Hunter on International Arbitration, 6th ed., Oxford University Press 2015: p 17 E-book, accessed through Kluwer Arbitration Online Database, available at: (<http://www.kluwerarbitration.com/>)
- Born, Gary, (2014) International Commercial Arbitration, Vol. I–III, 2nd edition, Kluwer Law International, E-book, p; 3534, accessed through Kluwer Arbitration Online Database, available at: (<http://www.kluwerarbitration.com/>); Gaillard and Savage, Ibid, p 987.
- Born, Gary, (2014), International Commercial Arbitration, Vol. I–III, 2nd edition, Kluwer Law International 2014, E-book, accessed through Kluwer Arbitration Online Database, available at: (<http://www.kluwerarbitration.com/>)p;270; Hwang and Lim.
- Coello Hedberg, Christoffer, (2016), International Commercial Arbitration and Money Laundering, Master's Thesis in International Commercial Arbitration 30 ECTS.
- Dissenting opinion of Justice Kennedy, p. 9 in *United States v. Bajakajian*,
- Gaillard, Emmanuel and Savage, John (eds.), (1999), Fouchard Gaillard Goldman on International Commercial Arbitration, Kluwer Law International, 1999. E-book, accessed through Kluwer Arbitration Online Database, available at: (<http://www.kluwerarbitration.com/>).
- Hobér, Kaj, (2011), International Commercial Arbitration in Sweden, Oxford University Press.
- Hwang, Michael S.C. and Lim, Kevin, (2013), Corruption in Arbitration Law and Reality, in Hwang, Michael S.C., Selected Essays on International Arbitration ,p;584; Academy Publishing 2013. [Hwang and Lim]
- ICC Case No. 14920; Ziadé, Nassib, (2015), Addressing Allegations and Finding of Corruption, in Baizeau, Domitille and Kreindler, Richard H. (eds.), Addressing issues of Corruption in Commercial

and Investment Arbitration, Dossiers of the ICC Institute of World Business Law, Vol. 13, p;119, Kluwer Law International 2015. E-book, accessed through Kluwer Arbitration Online Database, available at: (<http://www.kluwerarbitration.com>)

Kendra, Thomas and Bonini, Anna, (2014), Dealing with Corruption Allegations in Investment Arbitration: Reaching a Procedural Consensus? Journal of International Arbitration, Vol. 31, Issue 4, pp. 439–453, Kluwer Law International, E-book, accessed through Kluwer Arbitration Online Database, available at: (<http://www.kluwerarbitration.com/>),p;451.

Kreindler, Richard H., and Gesualdi Francesca, (2015), The Civil Law Consequences of Corruption under the UNIDROIT Principles of International Commercial Contracts: An Analysis in Light of International Arbitration Practice, in Bonell, Michael Joachim and Meyer, Olaf, The Impact of Corruption on International Commercial Contracts, p;19

Mills, Karen K.,(2003), Corruption and Other Illegality in the Formation and Performance of Contracts and in the Conduct of Arbitration Relating Thereto, in Albert Jan van den Berg (ed.), International Commercial Arbitration: Important Contemporary Questions, ICCA Congress Series, Vol. 11, Kluwer Law International 2003, pp. 289-299. E-book, accessed through Kluwer Arbitration Online Database, available at: (<http://www.kluwerarbitration.com/>),p;294.

Rose, Cecily, (2014), Questioning the Role of International Arbitration in the Fight Against Corruption, Journal of International Arbitration, Vol. 31, Issue 2, p; 216, Kluwer Law International 2014. E-book, accessed through Kluwer Arbitration Online Database, available at: (<http://www.kluwerarbitration.com>).

Schwarz, Franz T., and Konrad, Christian W., (2009), The Vienna Rules: A Commentary on International Arbitration in Austria, Kluwer Law International 2009. E-book, accessed through Kluwer Arbitration Online Database, available at: (<http://www.kluwerarbitration.com/>),p;143

See; Global Arbitration Report, Watchdogs or Bloodhounds (2014), Is it an Arbitrators Role to Sniff out Corruption? GAR Vol. 9, Issue 3, Global Arbitration Report.

United Nations Commentary on the United Nations Convention Against Illicit Traffic in Narcotic Drugs and Psychotropic, 1988: 135-139.

Waincymer, Jeff, (2012), Procedure and Evidence in International Arbitration, Kluwer Law International 2012. E-book, accessed through Kluwer Arbitration Online Database, available at: (<http://www.kluwerarbitration.com/>).

۳۵۶



فصلنامه

پژوهش‌های

روابط بین‌الملل،

دوره دهم، شماره

سوم، شماره پیاپی

سی و هشت

پاییز ۱۳۹۹